

فهرست مطالب

۷.....	نکات فصل نخست: وضع الفاظ و اقسام لفظ
۱۰.....	آزمون فصل نخست: وضع الفاظ و کاربرد آن
۳۰.....	پاسخنامه فصل نخست: وضع الفاظ
۴۵.....	فصل دوم: اوامر
۴۹.....	آزمون فصل دوم: اوامر
۶۴.....	پاسخنامه فصل دوم: اوامر
۷۵.....	نکات فصل سوم: نواهی
۷۷.....	آزمون فصل سوم: نهی و اقسام آن
۸۳.....	پاسخنامه فصل سوم: نواهی
۸۷.....	نکات فصل چهارم: مفهوم و منطوق
۹۲.....	آزمون فصل چهارم: مفهوم منطوق
۱۱۲.....	پاسخنامه فصل چهارم: مفهوم و منطوق
۱۲۵.....	نکات فصل پنجم: عام و خاص
۱۳۰.....	فصل پنجم: جامع عام و خاص
۱۵۳.....	پاسخنامه فصل پنجم: عام و خاص
۱۶۵.....	نکات فصل ششم: مطلق و مقید
۱۶۸.....	آزمون فصل ششم: مطلق و مقید
۱۷۹.....	پاسخنامه فصل ششم: مطلق و مقید
۱۸۹.....	نکات فصل هفتم: مجمل و مبین
۱۹۱.....	آزمون فصل هفتم: مجمل و مبین
۱۹۶.....	پاسخنامه آزمون فصل هفتم: مجمل و مبین

۱۹۹.....	نکات فصل هشتم: قیاس
۲۰۱.....	آزمون فصل هشتم: قیاس
۲۰۹.....	پاسخنامه آزمون فصل هشتم: قیاس
۲۱۵.....	نکات فصل نهم: مقدمه واجب
۲۱۸.....	آزمون فصل نهم: مقدمه واجب
۲۲۵.....	پاسخنامه فصل نهم: مقدمه واجب
۲۳۱.....	نکات فصل دهم: اذن در شیء
۲۳۳.....	آزمون فصل دهم: اذن در شیء
۲۳۹.....	پاسخنامه فصل دهم: اذن در شیء
۲۴۳.....	نکات فصل یازدهم: امارات
۲۵۷.....	پاسخنامه فصل یازدهم: امارات
۲۶۵.....	نکات فصل دوازدهم: اصول عملیه
۲۷۳.....	آزمون فصل دوازدهم: اصول عملیه
۳۰۳.....	پاسخنامه فصل دوازدهم: اصول عملیه
۳۲۹.....	نکات فصل سیزدهم: تعارض ادله
۳۳۱.....	آزمون فصل سیزدهم: تعارض ادله
۳۴۴.....	پاسخنامه فصل سیزدهم: تعارض ادله
۳۵۵.....	نکات فصل چهاردهم: ادله استنباط احکام
۳۶۲.....	آزمون فصل چهاردهم: آزمون ادله احکام
۳۶۶.....	پاسخنامه فصل چهاردهم: ادله احکام
۳۷۱.....	آزمون جامع اصول فقه
۳۸۱.....	پاسخنامه: آزمون جامع
۳۸۵.....	پرسشهای آزمون وکالت
۳۹۰.....	پاسخنامه آزمون وکالت

نکات فصل نخست: وضع الفاظ و اقسام لفظ

۱. دلالت بر سه نوع است: دلالت عقلی، همیشگی و قطعی است و محدوده زمانی، مکانی ندارد (همه مردم جهان فهم یکسان دارند). دود بر آتش / دلالت طبیعی، محدوده زمانی مکانی ندارد، اما همیشگی نیست. گریه بر ناراحتی / دلالت وضعی، محدوده زمانی، مکانی دارد و خدشه‌پذیر است. بر دو نوع لفظی و غیرلفظی (دلالت علائم راهنمایی-رانندگی و دلالت کتبی) تقسیم می‌شود.
۲. دلالت لفظ بر معنا وضعی و جعلی و قراردادی است. دلالت امارات بر مضمونشان، دلالت طبیعی است. (دلالت ید بر مالکیت)
۳. وقتی واضع مشخص لفظ را در برابر معنا قرار می‌دهد وضعی تعیینی یا تخصیصی نام دارد؛ که دو نوع است صریح مانند تعاریف صریح قانون‌گذار از یک واژه و ضمنی مانند زمانی که قانون‌گذار بابیان مصادیق، چیزی را تعریف می‌کند. وقتی لفظ در اثر کثرت استعمال و به‌طور خودبه‌خود در برابر معنا قرار می‌گیرد، وضع تعیینی یا تخصیصی نامیده می‌شود. ۴- به کار بردن لفظ در معنای خودش (که برای آن وضع شده)، استعمال حقیقی است و نشانه حقیقت: اطراه، تبادر و عدم صحت سلب و تصریح واضع لفظ است و صحت حمل.
۴. اگر چند لفظ دارای یک معنا باشند، مترادف هستند، مانند: رجم = سنگسار، دیون = واجبات مالی، جلد = تازیانه=شلاق
۵. دو لفظ با دو معنای جداگانه، متباین نام دارند. قانون، دادگاه. کافر، مسلمان. (هر متضادی، متباین است. رابطه متضاد و متباین، عموم و خصوص مطلق است.)
۶. لفظی که یک معنا دارد اما مصادیق زیادی دارد، مشترک معنوی یا مختص کلی نامیده می‌شود، مانند انسان، قانون. در برابر مختص جزئی که یک مصداق دارد، مانند اسامی خاص یا علم. (لفظی که فقط یک معنا دارد، مختص نام دارد.)
۷. لفظی که دارای چندمعنای حقیقی است، مشترک لفظی نام دارد مانند کلمه حقوق، دین، برای دلالت مشترک لفظی بر یکی از معانی باید در کلام قرینه باشد به نام قرینه معینه.

۸. کاربرد لفظ در معنای وضعی‌اش، **حقیقت** است. کاربرد لفظ در غیر معنای وضعی‌اش، **مجازی** است و عدم تبادر، عدم اطراد، صحت سلب یا عدم صحت حمل، نشانه آن است. نکته: در سؤالات حقیقت و مجاز گزینه‌های: ۱. **عدم صحت سلب دارد و مجاز است**. ۲. **صحت سلب دارد و حقیقت است**. ۳. **صحت حمل دارد و مجاز است**. ۵. **عدم صحت حمل دارد و حقیقت است**؛ که همگی گزینه‌های اشتباه هستند و حذف می‌شوند.

۹. برای دلالت لفظ بر معنای مجازی باید در جمله قرینه باشد به نام **قرینه صارفه** و بین معنای حقیقی و مجازی **علاقه و مناسبت** باشد. (علاقه؛ ماکان، مایکون، ظرف و مظروف، کل و جزء، جزء و کل، مشابهت، سبب و مسبب، آلیه)

۱۰. قرینه دو نوع است؛ **مقالیه یا لفظیه** که در کلام بیان می‌شود، مانند؛ «... هر چند متوفی پدر طفل باشد و برای او قییم مشخص کند.» کلمه پدر قرینه لفظی است که قییم در معنی مجازی خود یعنی "وصی" به کاررفته، معنای حقیقی قییم، سرپرست معین شده قانونی است. **قرینه حالیه یا مقامیه** که از شرایط زمانی، مکانی یا قبل و بعد کلام، فهمیده می‌شود.

۱۱. مشتق: صفت یا حالتی است که به یک انسان، حیوان یا شیء نسبت می‌دهیم مانند بایع، مشتری، واهب، متهب و... (مشتقی مطرح است که قابل زوال است.) کاربرد مشتق برای ذاتی که اکنون وصف را دارد، حقیقت است. (متلبس به مبدأ است.) برای آنچه در آینده وصف را می‌تواند بگیرد، مجاز است. برای آنچه در گذشته متلبس بوده و تلبس به مبدأ منقضی شده، طبق نظر مشهور مجاز است و طبق غیر مشهور حقیقت است. (رابطه مشتق اصولی و نحوی، عموم و خصوص من وجه است. شغلها، حرفه‌ها، هنرها، تا زمانی که شخص به‌طور رسمی کنار نگذاشته، متلبس به مبدأ و حقیقت هستند.)

۱۲. **منقول**: لفظی که معنایی داشته اما در معنای دیگر به کاررفته و معنای نخست متروک شده است، ۳ نوع است؛ **منقول عرفی** که عرف عوض کرده، مانند حیوان، قانون، قاجاق. **منقول شرعی** مانند صلاه، زکات. **منقول اصطلاحی** که در علم خاص عوض شده مانند قرار، حکم، جرم که در رشته حقوق عوض شده است.

۱۳. **الفاظی** که در قانون به کاررفته‌اند؛ اگر در قانون معنای خاص حقوقی برای آن‌ها بیان شده باشد، مانند زراعت رئیس خانوار، بیمه‌گذار، بیمه‌گر، تاجر، اقامتگاه، جرم، داده‌های سری، حکم، قرار و... **حقیقت قانونی** هستند اگر معنای قانونی نداشت ابتدا باید بررسی شود که از میان کلمات شرعی که در کتب فقهی به کاررفته، هستند که در اصطلاح **حقیقت متشرعه** بوده و معنای شرعی آن موردنظر است مانند، رضاع، احرام، عده، ایلاء، لعان، غبن، خیار و... اگر این دو نبود در نهایت برای فهم معنای الفاظ به عرف مراجعه می‌شود، مانند مسکن، روزنه و شبکه، مثلی و قیمی، ضرب و جرح، کشتن، نظم عمومی... (بیع، اجاره، وکالت و... همگی موضوعات عرفی هستند.) وقتی عرف معنا را

عوض کرده مانند حیوان، جانور، **حقیقت عرفی** هستند. به حقیقت عرفی، حقیقت قانونی و حقیقت متشرعه، مجاز لغوی می‌گوییم. به حقیقت متشرعه و حقیقت قانونیه، حقیقت عرفی خاص می‌گوییم. ۱۴. اگر در معنای لفظ شک نکنیم اما در منظور و مراد متکلم شک کنیم به اصول لفظیه مراجعه می‌کنیم که در ادله لفظی قابل استناد است. اگر معنای حقیقی و مجازی لفظی را بدانیم اما شک کنیم کدام معنا مورد نظر گوینده است، طبق **اصالة الحقیقه** معنای حقیقی را می‌پذیریم؛ مانند اصل ۱۱۵ ق.ا: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال سیاسی...» رجل: معنی حقیقی: مرد طبق اصالة الحقیقه. معنی مجازی: صاحب نظر سیاسی. اگر درباره افراد یا اقسام کلمه‌ای شک کردیم که شامل همه موارد است یا فقط شامل برخی می‌شود، اگر الفاظ عام بود، اصاله العموم و اگر الفاظ مفرد و مطلق بود، اصاله الاطلاق است. اگر شک کردیم کلمه‌ای یا جمله‌ای در تقدیر است، اصاله عدم تقدیر جاری می‌شود. اگر شک کردیم معنا عوض شده، اصاله عدم نقل جاری است. اگر لفظ برای دو معنا به کاررفته و شک کنیم هر دو حقیقی است یا یکی حقیقی و دیگری مجازی؟ اصاله عدم اشتراک جاری است و یکی حقیقی و دیگری مجازی است. اصاله الظهور نیز به هنگام شک در معنای ظاهری یا غیرظاهری و ضعیف می‌گوییم معنای قوی و ظاهری مورد نظر است. دلیل حجیت و مستند آن‌ها بنای عقلا و ریشه همه این اصول اصالة الظهور است.

۱۵. کتاب، سنت، اجماع، عقل، موضوع اصول از نظر قدما هستند و کتاب و سنت ادله لفظی هستند و اجماع و عقل، ادله لبی یا غیرلفظی هستند. دلالت لفظ بر معنای وضعی، دلالت تصویری است که تنها شرط آن علم به وضع است، مانند دلالت الفاظ شخص خواب یا مست. دلالت لفظ بر معنای مورد نظر گوینده دلالت تصدیقی است که شرط آن پایان کلام گوینده است؛ مانند دلالت مواد قانونی بر معنای مورد نظر قانون‌گذار و مبحث اصول لفظیه؛ و دلالت لفظ بر معنایی که گوینده آن را جدا و واقعا اراده کرده را دلالت بر مراد جدی می‌نامند. (در بیشتر موارد دلالت تصدیقی همان دلالت بر مراد جدی است اما گاهی جمله تمام می‌شود اما مراد جدی گوینده را بیان نمی‌کند، مانند مواردی که خاص یا قید به صورت منفصل و در ماده دیگر بیان می‌شود، در این حالت جمله دوم بیانگر مراد جدی گوینده است و جمله اول فقط دلالت تصدیقی و اراده استعمالی را نشان می‌دهد.)

۱۶. درباره وضع الفاظ برای عمل مرکب؛ صحیحیون معتقدند لفظ فقط برای معنای صحیح و تام الاجزا و الشرائط وضع شده (کاربرد لفظ در صحیح را حقیقت و در فاسد، مجاز به علاقه مشابهت می‌دانند) و اعمیون معتقدند برای اعم از معنای صحیح و فاسد یعنی ناقص الاجزا و الشرائط وضع شده است. (کاربرد لفظ در هر دو معنا را حقیقت می‌دانند) اعمیون اگر در وجود جزء زائد شک کند می‌تواند به اصاله الاطلاق مراجعه کند اما صحیحی نمی‌تواند و باید به برائت یا احتیاط مراجعه نماید. (بحث صحیح و اعم در معاملات فقط در اسباب جاری است یعنی در صیغه عقد، اما درباره مسببات یعنی اثر عقد جاری نیست.)

آزمون فصل نخست: وضع الفاظ و کاربرد آن

❖ اقسام دلالت و وضع:

۱. کدام یک از گزینه‌های زیر نشانگر وضع تعیینی است؟

- الف) دلالت قاچاق بر حمل کالای ممنوعه، در گذشته به معنی تردستی بوده است.
- ب) دلالت واژه قانون بر احکام حکومتی، در گذشته به معنای خط کش بوده است.
- ج) دلالت جرم بر هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است.
- د) دلالت مدینه بر مدینه النبی، در گذشته به معنای شهر بوده است.

۲. در کدام یک از گزینه‌های زیر وضع تعیینی ضمنی صورت گرفته است؟

- الف) تعریف کلاهبرداری بایبان مصادیق آن در قانون.
- ب) تعریف معاونت در جرم بایبان مصادیق آن.
- ج) تعریف مال غیرمنقول به این که مالی است از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود.
- د) الف و ب

۳. در کدام یک از گزینه‌های زیر دلالت از نوع جعلی و قراردادی (وضعی) است؟

- الف) دلالت ردپا بر رهگذر
- ب) طبق ماده ۱۲۸۰ ق.م «اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.» دلالت اقرار کتبی بر شفاهی
- ج) طبق ماده ۳۵ ق.م «تصرف به عنوان مالکیت، دلیل مالکیت است.» دلالت تصرف بر مالکیت.
- د) دلالت اخراج مال از حیطة تصرف بر اسقاط حق مالکیت.

۴. تفاوت مهم وضع تعیینی با وضع تعیینی در چیست؟ (وکالت ۸۴)

- الف) در آثار آن است.
- ب) در واضع آن است.
- ج) در تفاوت ماهوی آن است.
- د) در کثرت استعمال آن است.

۵. وضع تعیینی یا تخصصی چیست؟ (وکالت ۸۶)

- الف) هرگاه واضع، لفظی را به کمک قرینه در یک معنی خاص، معین کند.

- (ب) هرگاه واضح، لفظی را به کمک قرینه در یکی از معانی متعدد آن تخصیص دهد.
(ج) هرگاه واضح، لفظی را بدون استفاده از قرینه به یک معنی خاص، تخصیص دهد.
(د) هرگاه لفظی در اثر کثرت استعمال در معنایی به‌غیر از معانی وضعی آن تثبیت شود.

۶. وضع تعینی وقتی مصداق پیدا می‌کند که لفظ: (وکالت ۷۲)

- (الف) به‌وسیله عرف در معنی مجازی استعمال شود.
(ب) در غیر ما وُضِعَ له و در اثر کثرت استعمال به کار رود.
(ج) از معنای حقیقی خود جدا شده، معانی دیگری پیدا کند.
(د) هرگاه در اثر کثرت استعمال عرف، یک معنی مجازی ثابت پیدا کند که بدون قرینه از لفظ فهمیده شود.

۷. وضع تعینی یا تخصصی آن است که: (وکالت ۷۴)

- (الف) واضح، با کثرت استعمال، لفظ را در قبال معنایی قرار داده باشد.
(ب) عرف، در اثر کثرت استعمال، لفظی را در قبال معنایی دیگر تثبیت کرده باشد.
(ج) عرف، لفظی را با کمک قرینه در معنایی دیگر به کار برد.
(د) واضح، به وضع لفظی در برابر معنی معینی تصریح کند.

❖ اقسام لفظ

۸. کدام یک از موارد زیر مترادف هستند؟ (وکالت ۹۳)

- (الف) رجم و سنگسار
(ج) دادگاه و مرجع قضایی
(ب) محاربه و افساد فی الارض
(د) قاضی و حاکم شرع.

۹. کدام یک مترادف نیستند؟

- (الف) دیه و خون‌بها
(ج) نفقه و خرجی
(ب) قبض و گرفتن
(د) اقاله و تفاسخ

۱۰. کدام یک مترادف نیستند؟

- (الف) بیع و خرید فروش
(ج) حراج و مزایده
(ب) صغیر و کودک
(د) تازیانه و شلاق